

این روزها همزمان با تحولات عراق و ترس از امکان کم‌رنگ شدن توجه جامعه بین‌المللی به افغانستان، خبرهای بد درگیریهای جناحی، حملات بقایای طالبان و متحدین آنها به مواضع دولتی و انفجارها و رویدادهای مشابه، نگرانیهای جدی‌تری را در مورد دورنمای صلح و ثبات در افغانستان و آینده دولت نوپای این کشور، که خود را به بازگشت آرامش و ایجاد حکومت قانون متعهد می‌داند، به وجود آورده است.

بارنت روبین که از مسایل افغانستان آگاه است و یکی از تهیه‌کنندگان موافقتنامه بن بود، اخیراً گفته بود که بدون بهبود وضع امنیتی در مناطق مختلف افغانستان، تلاش در جهت طرح قانون اساسی جدید یک تلاش بی‌مفهوم خواهد بود.

اما در عین حال، بارنت روبین بر این باور است که هنوز حرکت صلح در افغانستان شکست نخورده است:

نه، اما این امکان موفقیت در صورتی مطرح است که بازیگران خارجی و دولت افغانستان و پس از همه دولت کرزی کاری بکنند که وضع امنیتی بهبود یابد. چون همه پیشرفت‌ها در عرصه سیاسی که مردم به آن می‌اندیشند، مانند داشتن یک قانون اساسی جدید، برگزاری لویه جرگه، برگزاری انتخابات، اصلاح سیستم قضایی، اصلاحات در قوانین کشور و غیره عملی نیست، اگر به اندازه کافی امنیت وجود نداشته باشد.

امنیت و اصلاحات بدون شک باهم رابطه ناگسستگی دارند. اما وقتی از تأمین امنیت واقعی صحبت می‌شود، عده زیادی تجربه 16 ماه گذشته را تجربه مثبتی در جهت بهبود امنیت تلقی نمی‌کنند. به نظر بسیاری‌ها از زمان تشکیل دولت جدید، جنگ سالاران قوی‌تر و متمرکزتر از گذشته شده‌اند و اقتدار دولت مرکزی، اگرچه کنترل آن، تقویت نشده است. حتی سمبل‌ها نیز از تصاویر فرماندهان تا تصامیم مستقلانه آنها، از تحکیم بیشتر پایه‌های قدرت و امکانات آنها در مناطق تحت تسلط شان سخن می‌گوید.

حتی پرزیدنت کرزی نیز در گفتگو با خبرنگار آسوشیتدپرس گفت که جنگ سالاران نسبت به گذشته قوی‌تر شده‌اند. البته سلطه تفنگ و فرمانده به گفته بارنت روبین، تنها نیمی از مشکل امنیت است:

باید بخاطر داشت که وقتی ما از امنیت در افغانستان می‌گوییم، ما درباره دو مشکل متفاوت که به هم رابطه دارند حرف می‌زنیم: یکی مشکل عدم امنیت است که با افزایش فعالیت طالبان و بعضی از حامیان آنها مانند القاعده و حکمتیار رابطه دارد. اینها البته دشمن دولت هستند و می‌خواهند آن را نابود کنند. اما مشکل دیگر امنیتی توسط آنها ایجاد می‌شود که جزو ائتلافی هستند که دولت کنونی افغانستان را می‌سازد و وقتی از جنگ سالار صحبت می‌شود، هدف همین گروه‌هاست. اینها که خود ضد طالبان هستند، نمی‌خواهند دولت را نابود کنند، اما منافع شخصی و یا گروهی متفاوتی دارند و منافع آنها با ایجاد یک دولت ملی یکی نیست.

به نظر من عدم امنیت ناشی از این منافع خطرناکتر است. چرا که مشکل طالبان وقتی که دولت بتواند خود را تقویت کند و به مردم خدمت نماید، به آسانی حل شده می‌تواند. اما وقتی در درون دولت کسانی وجود دارند که به منافع عمومی پایبند نیستند، چنین چیزی وضع را بدتر می‌سازد و به طالبان کمک می‌کند.

هم دولت افغانستان و هم جامعه بین الملل به خوبی می دانند که ظاهراً فعالیتهای طالبان از یکسو و جنگ سالاران از سوی دیگر چه خطراتی را برای دورنمای صلح و ثبات در افغانستان به وجود آورده است. اما چنین به نظر می رسد که افغانها منتظر امریکا و جامعه ملل هستند که مشکل را حل کند. امریکا و سایر کشورهای ذی دخل هم می خواهند ببینند که افغانها چه می کنند. به نظر بارنت روبین درحالی که جامعه بین المللی مسوولیت تأمین و تقویت امنیت را در افغانستان به عهده گرفته است، این وظیفه دولت افغانستان است تا اجندای امنیت را در دست خود متمرکز کند و برنامه ای را برای تغییر وضعیت ارائه کند.

به نظر من دولت افغانستان کنترل مسئله امنیت را باید در دست بگیرد. دولت افغانستان باید برنامه خود را مشخص سازد و بگوید که چی می خواهد بکند و بعداً از جامعه بین الملل بخواهد که در راه عملی شدن این برنامه کمک کند.

اما متأسفانه دولت افغانستان پیامهای مبهمی می دهد. به طور مثال در جریان سفر حامد کرزی رییس دولت انتقالی افغانستان به امریکا شاید هم به علت وضعیت نامطلوبی که ناشی از قرار گرفتن در برابر مجلس سنا بود، بسیاریها این برداشت را کردند که مردم افغانستان به کمکهای بیشتر امنیتی ضرورت ندارند، به گسترش نیروهای بین المللی کمک به امنیت و یا به تغییراتی در فعالیت تیمهای بازسازی ولایات که ارتش امریکا مشغول آن است، ضرورت ندارند. من در کابل با بسیاری از افرادی که در دولت برخورد کردم، شکایت می کردند که امریکا هیچ کاری درباره جنگ سالاران نمی کند، اما خود آنها طرحی نداشتند که آن را به امریکاییها ارائه کنند و بگویند که بیا بید از ما حمایت کنید. در واقع می شود گفت که در دولت افغانستان تفکر استراتژیک و رهبری وجود ندارد. واقع بینانه نیست که از امریکاییها خواسته شود که بیا بید و یک استراتژی برخورد با جنگ سالارها را تنظیم کنند.

اگر نیازی به یک استراتژی و یا به گفته بارنت روبین کنترل مسئله امنیت وجود دارد، این استراتژی چه عناصری باید داشته باشد؟

به نظر من استراتژی دولت باید قبل از همه شامل استقرار تعداد کوچک نیروهای بین المللی در مراکز مناطق عمده افغانستان باشد. وظیفه این نیروها عبارت خواهد بود از نظارت بر امنیت، جلوگیری از درگیریها و کمک به خلع سلاح و ملکی سازی ملیشه ها در چارچوب طرحی که اخیراً توسط دولت تصویب شده است.

درشرایطی که برنامه ای برای استقرار گسترده نیروهای بین المللی کمک به امنیت در سراسر کشور وجود ندارد، استقرار گروههای کوچکتر بسیار کمک کننده خواهد بود. ثانیاً جامعه بین الملل باید کمک های خود را به طور قابل ملاحظه افزایش دهد. به طور مثال در صندوق نظم و قانون که در چارچوب اصلاحات سیستم امنیتی به وجود آمده، همین حالا فقط 5 میلیون دالر وجود دارد. در حالی که به گفته آقای جلالی وزیر داخله به 100 تا 120 میلیون دالر برای اصلاحات سیستم امنیتی در وزارت او ضرورت است. مسئله اعمار راهها مطرح است که از نظر امنیتی مهم است و به همین گونه فعال ساختن میدانهای هوایی و خصوصاً عملی ساختن برنامه بازسازی و تأمین خدمات برای مردم عواملی مهم در تأمین امنیت هستند. اما در حال حاضر سوال این است که درشرایط ضعف دولت مرکزی، قدرت فزاینده فرماندهان و گروههای مرکز گریز و تهدید برای ثبات و صلح و نبود یک برنامه روشن برای

حل مشکل امنیت، طرح قانون اساسی، برگزاری لویه جرگه و انتخابات حداقل این خطر را دربر دارد که آینده سرنوشت افغانستان توسط گروه‌های قدرتمندی تعیین شود که به زور اسلحه قدرت را در مناطق مختلف افغانستان در دست دارند و چنین چیزی مانع تحقق اراده آزاد مردم برای تعیین سرنوشت شان خواهد شد. شاید به همین دلیل است که اخیراً برخی از نشرات (؟) افغانی مسئله تمدید کار دولت انتقالی برای دوسال دیگر، به تأخیر انداختن تلاشها در راه تصویب قانون اساسی و برگزاری انتخابات را مطرح کرده اند؛ اما بارنت روبین می گوید که با وجود نگرانی در مورد اثرات منفی مشکل امنیت بر اقدامات اساسی (سیاسی؟) از جمله طرح قانون اساسی جدید، او با این نظر موافق نیست:

من از این نظر که دوره انتقال تمدیدشود، دفاع نمی کنم. من فکر نمی کنم که چنین کاری ممکن و یا مفید باشد. برای من مهم است که افغانها وارد بحث شوند. از سوی دیگر طرح تمدید قدرت دولت انتقالی جالب دیگر، و یا بهتر است جانب منفی نیز در بر دارد. چون افغانها از این کار استقبال نمی کنند.

بارنت روبین تأکید می کند که بجای هرگونه تلاش در راه تمدید دوره کنونی انتقال باید تلاشها در جهت تحکیم امنیت متمرکز شود. در این زمینه جامعه بین المللی و دولت افغانستان در مقابله با آنانی که میخواهند روند صلح را در افغانستان متوقف سازند و آنهایی که میخواهند از تحکیم صلح و ثبات جلوگیری کنند، تا منافع خودشان حفظ شود، باید مسوولیت بیشتری را به عهده بگیرند. اما در عین زمان، به گفته آقای روبین، جامعه بین المللی باید کار بیشتری برای رشد یک ارتش واحد و در عین زمان خلع سلاح و سوق دادن نیروهای نظامی کنونی به زندگی غیرنظامی انجام دهد.

به گفته بارنت روبین، اگر این کار انجام نشود، ما در ماه جون سال 2004 میلادی فقط با یک انتخابات روبرو نخواهیم بود، ما با یک جنگ روبرو خواهیم شد.